

مقدمه

این کتاب اثری پژوهشی است در توصیف و تبیین تحولات سیاسی - اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران و در یک مقطع زمانی حدوداً چهل ساله که با هدف آشنایی خوانندگان با روندهای عمده تاریخ جمهوری اسلامی ایران طی چهار دهه گذشته تدوین شده است. بر این اساس تمرکز اصلی نویسنده بر ذکر رویدادهای عمده و تحلیل آنها بوده و از ذکر جزئیات تا حد امکان اجتناب شده است و می‌تواند برای دانشجویان و خوانندگانی که در نظر دارند تصویری فراگیر و جامع از روندهای تاریخی چهار دهه اخیر و تحلیل آنها به دست آورند بسیار سودمند و جذاب باشد. در این کتاب از یک سو چگونگی شکل‌گیری دولت و نهادها و ساختارهای جدید بعد از انقلاب توضیح داده و کارگزاران و نیروهای مؤثر بر تحولات این مقطع تاریخی معرفی می‌شود و از سوی دیگر رابطه پیچیده و تنگاتنگ تحول اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با تحولات سیاسی تبیین می‌گردد. این اثر شرحی است از چگونگی تحول و تکامل یک نظام انقلابی و تأثیر آن بر جامعه و همچنین تأثیرپذیری متقابل آن از تحولات جامعه و نظام بین‌الملل و نشان می‌دهد که دولت پدیده‌ای تنیده با محیط اجتماعی و فرهنگی درونی و محیط بیرونی می‌باشد و در پی تبیین تحولات آرام و ریشه‌داری است که در عرصه ادراکی، ساختاری و کارگزاری در زمینه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران بعد از انقلاب رخ داده و ماهیت و ویژگی‌های جدیدی به جامعه ایران داده است. می‌توان گفت این کتاب کارنامه‌ای مختصر از تلاش‌های یک دولت ملی و انقلابی و چالش‌های فراروی آن برای رسیدن به استقلال، آزادی، مردم‌سالاری دینی و تحقق الگوی بومی و دینی از پیشرفت است و در آن تلاش می‌شود تا به صورت مشخص به این سؤال‌ها پاسخ داده شود که: در سال‌های بعد از انقلاب چه اقداماتی برای تحقق و تحکیم اهداف انقلاب اسلامی در ایران در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی انجام شد؟ روندهای حاکم بر عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشور از چه ویژگی‌هایی برخوردار بوده

است؟ و در نهایت جمهوری اسلامی در تحکیم اهداف خود در چند دهه گذشته چه موفقیت‌هایی را به دست آورده و با چه چالش‌هایی از درون و بیرون مواجه بوده است؟ در این کتاب از آوردن حواشی مفصل پرهیز شده و در پانویس‌ها نیز به بعضی نکات توضیحی در موارد مورد مناقشه اکتفا شده است.

الف) مفهوم تحولات سیاسی - اجتماعی

واژه تحول در این پژوهش به معنای عام و دربردارنده مجموعه‌ای از دگرگونی‌های جزئی و کلی در طول زمان است و طیفی از تغییرات مختلف جزئی و کوتاه‌مدت و قابل رؤیت و بررسی در یک دوره زمانی کوتاه‌مدت و همچنین تغییرات و دگرگونی‌های میان‌مدت و درازمدت در عرصه سیاسی - اجتماعی را شامل می‌شود. برخی محققان همچون پارسونز از تغییرات میان‌مدت به عنوان تغییرات تعادلی و از تغییرات درازمدت به عنوان تغییر در ساخت یاد می‌کنند (روشه، ۱۳۸۷: ۲۷). تغییرات در تعادل شامل آن دسته از تغییرات اجتماعی است که در اجزاء و خرده‌نظام‌های جامعه رخ می‌دهد. به دنبال این گونه تغییرات، نظام اجتماعی در قالب همان ساختار پیشین به تعادل جدیدی می‌رسد. این گونه تغییرات همواره و کم و بیش در همه جوامع جریان دارند. اما اگر نیروهای معطوف به دگرگونی قدرتمند باشند و فشار شدیدی بر نظام اجتماعی وارد سازند، ممکن است که دامنه تغییر از سطح اجزاء و خرده‌نظام‌ها فراتر رود و کل ساختار اجتماعی را دگرگون سازد (روشه، ۱۳۸۷: ۲۷). از سوی دیگر می‌توانیم مفاهیمی همچون تکامل را نیز به عنوان یکی از مصادیق تحول بدانیم و این در صورتی است که تحولات را غایتمند و هدف‌دار در نظر بگیریم.

اصولاً عوامل مختلفی در تغییرات و تحولات سیاسی - اجتماعی نقش دارند که مشخص کردن سهم هر یک از این عوامل کار مشکلی است، اما برحسب موقعیت‌ها و وضعیت‌های تاریخی و جغرافیایی جوامع مختلف متفاوت است. برخی محققان در این مورد به عواملی مادی همچون جمعیت، فناوری و زیرساخت‌های اقتصادی از یک سو و عوامل ارزشی و معنوی همچون دین، ایدئولوژی، ارزش‌ها و فرهنگ از سوی دیگر اشاره کرده‌اند (روشه، ۱۳۸۷: ۴۰). همچنین از نخبگان سیاسی، احزاب و گروه‌ها و جنبش‌های اجتماعی و ابزارهای ارتباطی و رسانه‌ها به عنوان کارگزاران تغییرات و تحولات نام برده شده است.

اصولاً هدف از مطالعه تحولات سیاسی - اجتماعی پاسخ دادن به این سؤال‌هاست که:

چه چیزی و در چه ابعادی متحول شده و تغییر کرده است؟ ابعاد این تغییرات در ادراک‌ها و ارزش‌ها و ساختارها و کارگزاران چگونه بوده است؟ چه عوامل و کارگزارانی بر این تغییرات تأثیرگذار بوده‌اند؟ سهم عوامل داخلی و خارجی در این تغییرات چه اندازه بوده است؟ آیا روند تغییرات و دگرگونی‌ها تدریجی بوده است یا سریع و شتابزاد؟ و در نهایت سمت و سوی این تغییرات و تحولات چگونه بوده و چه ویژگی‌هایی را نسبت به گذشته داراست؟

بر این اساس این کتاب توصیف و تبیینی از مجموعه روندهای تغییردهنده و متحول‌کننده کوتاه‌مدت و میان‌مدت اجتماعی و سیاسی در ایران بعد از انقلاب است که به ایجاد ویژگی‌های جدیدی در عرصه جمهوری اسلامی منجر شده است و این روندها با روندهای درازمدت در جامعه ایران پیوستگی داشته و مرتبط است؛ لذا می‌کوشیم تا از یک سو همچون یک مورخ سیاسی - اجتماعی بر اساس اسناد و مدارک موجود دگرگونی‌های خردی را که در برهه‌های مختلف دوره مورد نظر در عرصه سیاسی - اجتماعی ایران رخ داده است بررسی کنیم و از سوی دیگر به تحلیل تبیین روند و سرشت کلی تحولات این دوره و نشان دادن علل و عوامل اصلی دخیل در این تحولات بپردازیم تا بتوانیم تصویری کلی از دگرگونی‌های مرتبط در دوره مورد نظر ارائه و آن‌ها را تحلیل و تبیین کنیم.

در این کتاب تحولات با محوریت سیاسی مورد مطالعه قرار می‌گیرد و در واقع علاوه بر تحولات خاص در حوزه سیاست به مطالعه تحولات اجتماعی و اقتصادی تأثیرگذار در عرصه سیاسی خواهیم پرداخت و موضوع مورد بررسی در عرصه سیاسی شامل مطالعه دگرگونی‌ها در مباحثی همچون دولت و قدرت سیاسی، نخبگان سیاسی، ارزش‌ها و هنجارهای سیاسی و ساختار و قواعد سیاسی خواهد بود و در عرصه فرهنگی - اجتماعی نیز به مباحثی مانند رویکردهای دولت به فرهنگ، تغییر در ارزش‌ها، تغییر نسل‌ها و تحول و نگرش به دین و جامعه‌پذیری و تغییرات اجتماعی خواهیم پرداخت؛ همان‌طور که در عرصه اقتصادی به بررسی تغییرات شاخص‌های مهم و کلان اقتصادی همچون میزان رشد اقتصادی، درآمد ملی، توزیع درآمد و روندهای حاکم بر اقتصاد سیاسی می‌پردازیم.

ب) رویکردهای مختلف نظری در مطالعه تحولات سیاسی

نظریات مختلفی در مطالعه تحولات وجود دارد که می‌توان آن‌ها را در سه رویکرد کلان طبقه‌بندی کرد:

اولین رویکرد را می‌توان رویکرد یکسان‌انگارانه به تحولات نامید. این رویکرد نگاهی جهان‌شمول، یکسان‌انگارانه و تک‌خطی و غایتمند به تحولات در جوامع مختلف دارد و از یک عامل بنیادین و زیرساخت ثابت و مستمر برای توضیح تحولات کل تاریخ و تحولات جوامع مختلف استفاده می‌کند. غالب نظریه‌های قرن نوزدهمی دگرگونی اجتماعی مانند نظریه‌های کنت اسپنسر، تونیس و دورکیم این رویکرد را دنبال می‌کنند. پیروان این دیدگاه در قرن بیستم در قالب دو مکتب وابستگی متأثر از مارکسیسم و مدرنیزاسیون تلاش کردند تا به ترتیب بر اساس نظریه تکامل شیوه‌های تولید مارکس و یا بر اساس الگوی تحول جوامع غربی از سنت به مدرنیته، تاریخ جهان و سیر تحولات جوامع مختلف را از آغاز تا دوره معاصر تحلیل کنند. بر این اساس جوهره و مسیر تحولات در همه جوامع مشترک است و جوامع سیر سیاسی و اجتماعی یکسانی را طی می‌کنند و همه راه‌ها نیز به هدف واحدی ختم می‌گردد.

دومین رویکرد نظریات یکتاانگارانه می‌باشد، که بر اساس آن برخلاف رویکرد اول هر جامعه‌ای روند تحول مخصوص به خود را دارد. این نگرش به قواعد عام و جهان‌شمول غایتمندی و قطعیت در تحولات اجتماعی با دیده تردید می‌نگرد و تحولات سیاسی - اجتماعی در هر جامعه‌ای همچون اموری خاص و مبتنی بر قواعد محدود به زمان و مکان تلقی می‌شود و تحولات در هر جامعه‌ای، تحت تأثیر زمینه‌ها و عوامل متفاوت سمت و سو و فرجام‌های متفاوتی به خود می‌گیرند. از جمله نظریه‌پردازان این رویکرد را می‌توان ماکس وبر دانست.

رویکرد سوم که می‌توان آن را رویکردی تلفیقی نامید، معتقد است تحولات در جوامع مختلف هرچند تحت تأثیر عوامل خاص و درونی آن جوامع است، اما تحولات جوامع به دلیل نیازها و گرایش‌های مشترک بشری از اشتراکات زیادی نیز برخوردار است. به بیان دیگر در تحلیل تحولات در جوامع از یک سو باید به وجوه خاص هر جامعه توجه کرد، اما از سوی دیگر نیز نباید اشتراکات جوامع بشری و عوامل تأثیرگذار مشترک و وجود روندهای مشترک و مشابه در جوامع مختلف بشری را فراموش کرد؛ بدین معنا که ضمن توجه به عوامل خاص و زمینه‌ها در جوامع برای تبیین دگرگونی‌ها باید به قواعد عام دگرگونی در جوامع مختلف که تحت تأثیر نیازها و غرایز مشترک بشر از یک سو و گسترش ارتباطات جوامع در سطح جهانی از دیگر سو رخ می‌دهد نیز توجه کرد، که مکاتبی همچون جامعه‌شناسی تاریخی بر آن تأکید کرده و معتقدند از یک سو باید به شناخت وجوه عام،

ساختاری و باثبات زندگی اجتماعی و از سوی دیگر به شناخت وجوه خاص زندگی اجتماعی توجه کرد (هابدن، ۱۳۷۹: ۳۴-۴۱). بر این اساس این رویکرد معطوف به مطالعه وجوه عام و خاص، باثبات و دگرگون‌شونده و بالاخره جنبه‌های بافتمند و زمانمند زندگی اجتماعی - سیاسی است که قابلیت تحلیل جامع‌تر و واقعی‌تری از تحولات در جوامع را دارد، و بر اساس آن فهم درست از تحولات نیازمند توجه هم‌زمان به هر دو جنبه عام و خاص این تحولات در هر جامعه سیاسی و اجتماعی می‌باشد.

مطالب این کتاب مبتنی بر این رویکرد تحولات خواهد بود، بدین معنا که پیش فرض ما آن است که مطالعه تحولات سیاسی - اجتماعی ایران هرچند نیازمند شناخت عوامل درونی و خاص جامعه ایران است، اما نمی‌توان عوامل مشترک تأثیرگذار بر روند تحول جوامع بشری در دوران معاصر همچون مدرنیسم و جهانی‌شدن و گسترش ارتباطات را بر این تحولات نادیده گرفت؛ علاوه بر اینکه نیازها و فطرت مشترک بشری نیز ایجاب می‌کند که نقش این عوامل عام و مشترک در هرگونه تحلیل از تحولات نباید نادیده گرفته شود و این نگاه دو بُعدی یعنی توجه به یکتایی‌های جامعه ایران و همسانی‌های این جامعه با جوامع دیگر می‌تواند تحلیل دقیق‌تری از واقعیت تحولات در ایران را بیان نماید. لذا در این پژوهش ضمن توجه به عوامل درونی تحولات همچون تحول در ساختارها و نهادهای داخلی و همچنین توجه به عوامل ارادی تغییرات همچون کارگزاران و نخبگان سیاسی و اندیشه‌ها و محیط داخلی، تلاش می‌کنیم تا به نقش عوامل بیرونی تغییر و تحول در جامعه ایران همچون تأثیر جهانی‌سازی و گسترش ارتباطات با جوامع دیگر در این تحولات پردازیم.

ج) روش پژوهش

در این پژوهش می‌کوشیم که در سطح خرد وقایع را توصیف کنیم و در سطح روندها و تحولات میان‌مدت به تحلیل و تبیین پردازیم لذا روش به کار گرفته شده روش توصیفی-تبیینی است. هرچند تبیین به معنای خاص عبارت از کشف و بیان «علت» (یا علل) یک رویداد با تحول است، اما مفهوم تبیین در معنای عام بر توضیح و قابل فهم کردن امور دلالت می‌کند و این رویکرد به تبیین، به‌ویژه در علوم اجتماعی و تاریخی، مورد تأکید بخشی از صاحب‌نظران قرار دارد. آنان با تأکید بر تفاوت‌های بنیادین امور انسانی و اجتماعی با امور طبیعی تبیین را به معنای قابل فهم کردن یک چیز به کار می‌برند. به نوشته مایکل اوکشات، تنها تبیین تاریخی

مناسب یا ممکن از یک تغییر و تحول گزارش کامل آن است و از آنجا که امور اجتماعی و سیاسی از جنس رویدادها و دگرگونی‌های زمانمند هستند صرف توضیح چگونگی وقوع این رویدادها و دگرگونی‌ها به‌نوبه خود نوعی تبیین و تعلیل و حتی بهترین آن‌هاست (Oakeshott, 1933: 143).

بر این اساس در این پژوهش برای تبیین تحولات از روش تبیینی روایی استفاده می‌کنیم. روش تبیین روایی، بیان مجموعه‌ای از وقایع به‌صورت حلقه‌های متصل به هم است که علت(ها) را به معلول وصل می‌کند؛ به بیان دیگر در روایت علی، واقعه منفرد تحت مطالعه به‌عنوان محصول و نتیجه نهایی در دیگر فرایند یا توالی وقایعی که منجر به آن شده است تحلیل می‌شود. تحلیل گران کیفی با استفاده از این روش می‌کوشند تا ارتباط بین متغیرها در درون توالی سازنده حوادث و وقایع منفرد را اثبات کنند و «روایت» می‌تواند ابزاری مفید برای واری و ارزیابی علی در جاهایی باشد که تعاقب و توالی زمانی حوادث و وقایع خاص و وابستگی مسیرگونه وقایع در توضیح و تحلیل به کار گرفته می‌شود (طالبان، ۱۳۸۸: ۱۶۳). این محققان برای قابل فهم کردن و توضیح چگونگی یک واقعه معتقدند که باید فهم و تبیینی روایی ارائه داد که بتواند فهمی بین‌الذهانی از علل و عوامل تحولات عرضه کند تا برای همه قابل پذیرش باشد؛ بنابراین در این پژوهش تلاش خواهد شد مبتنی بر این روش ضمن توصیف روندها و تحولات با ارائه روش تبیینی مبتنی بر عرضه روایتی از واقعیت‌ها به روندهای سیاسی و پیامدهای آن‌ها در جمهوری اسلامی ایران پردازیم.

(د) وضعیت آثار مرتبط با ایران بعد از انقلاب

مطالعات مرتبط با انقلاب ایران چندین موج مطالعاتی را پشت سر گذاشته است، هرچند در ابتدا بررسی علل و روند انقلاب از اهمیت زیادی نزد متفکران برخوردار بود و این امر موجب شد تا حجم زیادی از آثار شامل کتاب، پایان‌نامه و مقاله به وسیله نویسندگان داخلی و خارجی در این مورد نگاشته شود، اما به تدریج بحث از پیامدهای انقلاب و آینده‌پژوهی آن از اهمیت بیشتری برخوردار شد و به این منظور آثار مختلفی نگاشته شد که بخش عمده‌ای از آن‌ها در خارج از کشور منتشر شده و بخش کمی از آن‌ها به فارسی منتشر شده است که نویسندگان داخل کشور سهم کمی از این آثار را به خود اختصاص داده‌اند و در قالب انتشار کتاب به زبان فارسی محدودیت این مباحث چشمگیرتر است، به طوری که هرچند آثار مختلفی اعم از مقاله،

پایان‌نامه و کتاب در مورد انقلاب ایران و پیامدهای آن در مجامع مختلف دانشگاهی نگاشته شده است، اما کتاب‌های منتشر شده در مورد تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران از سوی نویسندگان داخلی یا ترجمه شده به فارسی تعداد اندکی را تشکیل می‌دهد که آن‌ها نیز از جامعیت زمانی یعنی مطالعه دوره ۴۰ ساله بعد از انقلاب و جامعیت موضوعی (سیاست، اقتصاد و فرهنگ) همچون این کتاب برخوردار نمی‌باشند و تعداد کتاب‌هایی که محققان داخل کشور به زبان فارسی با تمرکز بر پیامدهای انقلاب ایران و بررسی تحولات جمهوری اسلامی ایران و تحول دولت در دوران بعد از انقلاب به چاپ رسانده‌اند بسیار محدود است و کتاب‌هایی که به‌طور اختصاصی به تحولات بعد از انقلاب در جمهوری اسلامی ایران به‌صورت جامع پرداخته‌اند اندک‌اند که در منابع این کتاب به بخشی از این آثار ارزشمند، که از آن‌ها استفاده کرده‌ام، اشاره شده است. در این باره اینجانب کتابی در دو جلد به نام *تحولات سیاسی - اجتماعی ایران در سال ۱۳۸۴* منتشر و در آن تلاش کرده‌ام به بررسی روندها و تحولات سال‌های بعد از انقلاب و به‌خصوص تحولات دهه اول به‌صورت مشروح بپردازم که شامل مباحثی همچون علل و روند انقلاب، صف‌بندی نیروهای سیاسی بعد از انقلاب، بحران‌های قومی، منطقه‌ای و سیاسی، و تحولات دوران گذار و جنگ و تحول دولت‌ها و نهادهای سیاسی و تحولات اجتماعی و اقتصادی تا اوایل دهه ۸۰ را دربر می‌گیرد. آن اثر هرچند وجوه و مباحث مشترکی با این کتاب دارد، اما در این کتاب تلاش شده است تا اولاً تمرکز مباحث بر مسائل بعد از پیروزی انقلاب باشد و ثانیاً بخش عمده مطالب قبلی بازنویسی و با استفاده از اطلاعات جدید تکمیل و یا متناسب با این اثر جدید تلخیص شود، ثالثاً تحولات دوازده‌ساله دوره دولت نهم تا یازدهم نیز به آن اضافه شده است تا این کتاب در عین موجز بودن از جامعیت لازم برخوردار باشد و کل تحولات چهار دهه گذشته را پوشش دهد. لذا این کتاب را می‌توان اثری جدید، مختصر، اما جامع و پوشش‌دهنده تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصاد سیاسی بعد از انقلاب دانست که امید است برای مخاطبان مفید باشد.

ه) سازمان‌دهی کتاب

اصولاً دوران بعد از انقلاب را می‌توان به سه مقطع تاریخی مهم طبقه‌بندی کرد که هر مقطع از ویژگی‌های مختص به خود برخوردار است. اولین مقطع سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۵۹ می‌باشد که

می‌توان آن را دوران استقرار نظام سیاسی جدید و سال‌هایی پر از چالش برای انقلاب نوپای اسلامی ایران دانست. مقطع دوم که از ابتدای دهه شصت شروع می‌شود از یک سو هم‌زمان با آغاز جنگ هشت‌ساله دولت بعثی عراق با جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و از سوی دیگر این دوران هم‌زمان با آغاز اولین دولت یکپارچه و باثباتی است که برخلاف دولت‌های پیشین به مدت هشت سال تداوم یافت و کشور را در دوران جنگ اداره و مدیریت کرد. تداوم جنگ در این سال‌ها موجب شد تا بخش اعظم تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور تحت تأثیر تحولات جنگ و پیامدهای آن قرار گیرد که این امر ویژگی‌های منحصر به فردی را به این دوران از تاریخ کشور داده است و لذا این دوران را می‌توان دوران تثبیت نظام جمهوری اسلامی و تلاش برای اداره و پیروزی در جنگ دانست.

سومین مقطع مهم در جمهوری اسلامی را می‌توان دوران بعد از جنگ و روی کار آمدن دولت سازندگی دانست، که در این مقطع با اجماع نظر مسئولان نظام، سیاست‌های جدیدی مطرح و سنگ بنای سیاست‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مهمی بنیان نهاده شد که کلیت این سیاست‌ها را دولت‌های مختلف بعد از جنگ با فراز و نشیب‌هایی ادامه دادند و پیامدهای این سیاست‌ها تحولات مهمی را در سال‌های بعد در کشور رقم زد.

بر این اساس در این کتاب که مبتنی بر سرفصل‌های درس تحولات سیاسی - اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران در رشته علوم سیاسی سازمان‌دهی شده، تلاش گردیده است تا این مقاطع مهم سه‌گانه در سه بخش مجزا (با توجه به لزوم محدود بودن صفحات کتاب) مورد واکاوی قرار گیرد.

در این راستا بخش اول شامل سه فصل می‌باشد که در فصل اول نحوه شکل‌گیری، تشکیلات و نهادهای انقلابی دوران گذار همچون شورای انقلاب، نهادهای انقلابی و دولت موقت بررسی شده و روند انتخاب نوع نظام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از سوی مردم تبیین گردیده است و سپس روند تأسیس نهادهای قانونی در کشور و چالش‌های سیاسی همچون انتخاب اولین رئیس‌جمهور و چالش‌های موجود و موضوعات مهمی همچون ریاست جمهوری یک‌ماهه رجایی به عنوان دومین رئیس‌جمهور و انتخابات اولین دوره مجلس شورای اسلامی و چالش جناح‌های سیاسی بحث و بررسی شده است.

در فصل دوم این بخش صف‌بندی نیروهای سیاسی مختلف سال‌های اولیه انقلاب در قالب سه گروه مهم شامل نیروهای اسلام‌گرا، نیروهای لیبرال غیر مذهبی و مارکسیست‌ها مورد

بررسی قرار گرفته است. این بررسی تحلیل واقع‌بینانه‌تری از بازیگران مهم عرصه سیاسی کشور و دلایل رخدادها در این مقطع تاریخی را ارائه خواهد داد.

در فصل سوم این بخش چالش‌ها و بحران‌های ایجاد شده در این مقطع مورد مطالعه قرار گرفته است و در این ارتباط اقدامات برخی گروه‌های تجزیه‌طلب و چپ‌گرا برای ایجاد بحران‌های قومی-مذهبی و همچنین اقدامات تروریستی برخی از این گروه‌ها و تلاش برای براندازی نظام از طریق کودتا تبیین گردیده و پیامدهای بحران‌آفرینی گروه‌های چپ در دانشگاه‌ها و تلاش جریان‌های اسلامی برای تحول در نظام آموزشی و همچنین ماجرای اشغال سفارت آمریکا و بحران ناشی از آن تبیین شده است.

در بخش دوم تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دهه شصت و سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۸ که می‌توان آن را دوران تثبیت نظام جمهوری اسلامی و اداره کشور در شرایط جنگی دانست مورد بحث قرار گرفته است. به این منظور ابتدا در فصل اول این بخش علل شکل‌گیری جنگ تحمیلی و روند آن و موضوعاتی همچون عوامل مؤثر در آغاز جنگ، روند آغازین جنگ و روند و تحولات جنگ بعد از فتح خرمشهر تا آغاز مذاکرات صلح و پذیرش قرارداد ۱۹۷۵ به وسیله عراق جهت آشنایی مخاطب مورد بررسی قرار گرفته و در فصل دوم این بخش برخی تحولات مهم این دوران همچون موضوع بازنگری در قانون اساسی و تحول در ساختار سیاسی کشور مطرح شده است و سپس به تحلیل سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های دولت در دوران جنگ تحمیلی و پیامدهای آن در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تحولات سیاست خارجی ایران در دهه ۶۰ پرداخته شده است.

در بخش سوم کتاب، سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های دولت‌های بعد از جنگ یعنی دولت‌های آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، حجت‌الاسلام خاتمی، دکتر احمدی‌نژاد و دکتر حسن روحانی (در پنج فصل) تحلیل شده و ضمن تبیین هر یک از دولت‌های مذکور در یک فصل جداگانه به بررسی ابعاد و پیامدهای این رویکردها در ابعاد مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و سیاست خارجی پرداخته شده است. در نهایت به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری مختصری از این روندها پرداخته‌ایم.

در خاتمه از ریاست و معاونان محترم و مدیران پرتلاش و ویراستاران و کارشناسان خبره سازمان سمت برای چاپ و نشر این کتاب و همچنین از مدیر فرهیخته گروه علوم سیاسی جناب آقای دکتر برزگر به خاطر ارائه پیشنهادات ارزنده تشکر و قدردانی می‌کنم.

امید است که این اثر برای کلیه محققان علاقه‌مند به پیگیری تحولات این دوران مفید واقع گردد و گامی در راستای تبیین علل و ریشه‌ها و روند و پیامدهای تحولات سیاسی و اجتماعی در ایران بعد از انقلاب باشد تا بتواند راهگشای سیاست‌های آینده و سیاست‌گذاری‌های واقع‌بینانه و کارآمد برای مدیریت امور کشور و استمرار و تقویت و بالندگی این نظام سیاسی دینی که آرمان همه مصلحان و احیاگران اسلامی معاصر بوده است گردد.